

حاجی زین العابدین مراغه ای

سیاحتنامه ابراهیم بیگ

(متن کامل سه جلدی)

به کوشش

م ع سپالو



فهرست

۷	نقش تاریخی «ابراهیم بیگ»
۱۹	عرض مخصوص
۲۳	سیاحتنامه ابراهیم بیگ (جلد اول)
۲۵۵	حاتمه
۲۶۳	لاحقه
۳۰۱	سیاحتنامه ابراهیم بیگ (جلد دوم)
۳۰۳	دیناچه جلد دوم
۳۰۹	شرح حال یوسف عمو
۴۷۷	حاتمه
۵۱۳	پندنامه یکی از ادنا که در حور این مقال بود
۵۳۳	سیاحتنامه ابراهیم بیگ (جلد سوم)
۵۳۵	عرض می شود
۶۶۹	ترحمه نطق اعلیٰ حصرت «میکادو»
۷۱۹	عریضه دولتخواهانه
۷۶۷	واژگان

نقش تاریخی «ابراهیم بیگ»

کتابی که در دست دارید متن کامل سیاحتنامه ابراهیم بیگ نوشته حاجی ریس العابدین مراغه‌ای است که سال‌ها نایاب بوده است حتی حلد اول این مجموعه سه جلدی، که در سال‌های اخیر چندین بار به چاپ رسیده، کامل بیست* حوشوقیتیم که ما به این خدمت توفیق یافتیم

سیاحتنامه ابراهیم بیگ هم از نظر نفود اجتماعی در عصر حویش و هم از دیدگاه تأثیر ادبی در سیر ادبیات نوین ایران نقش تاریخی داشته است از نظر نفود اجتماعی ارزش سیاحتنامه، در انقلاب مشروطه ایران، نظیر ارزش کتاب قرارداد اجتماعی، اثر ژان ژاک روسو، در انقلاب کبیر فرانسه است تأیید این ارزشگذاری را در آثار مورخان و متقدان و کارشناسان ادب پارسی هست و حو می‌کیم

ادوارد براون می‌نویسد

سیاحتنامه ابراهیم بیگ که انتشار آن هم‌زمان با دوره طعیان ماده عدم رصایت بود، در تحریک حس نصرت و انرجار مردم ایران نسبت به حکومت محرب و افتصاح آمیر محصوص دوره سلطنت مظفرالدین شاه نقش بررگی داشته

* چاپ‌های قدیم ابراهیم بیگ در قاهره، بمبئی و استانبول انجام گرفته است حلد اول آن به کوشش م مومی، که در سال‌های اخیر در ایران تجدید چاپ شده، حدود پنجاه صفحه کم دارد، حذفی‌ها اساساً شامل اعتقادات نویسنده به مذهب اسلام یا نظام پادشاهی بوده است این حذف بی‌مسئولیت و بی‌پروا لابذ برای آن صورت گرفته که حاجی را به شکل یک سوسنالیست انقلابی درآورد

و شهرت به سرایی در میان عامه به هم زد

ار نوشته‌های ناظم‌الاسلام کرمانی در تاریخ بیداری ایرانیان درمی‌یابیم که محفل‌ها و انجمن‌های آرادیحواه، پیش از مشروطه، هیچ کتاب آموزش تئوری برای تقویت و تربیت دانش سیاسی خود نداشته‌اند. حر کتاب سیاحتنامه ابراهیم بیگ ناظم‌الاسلام یادآوری می‌کند که این کتاب را روحانی مردم‌گرا سید محمد طباطبایی به او داده بود و در انجمن محمی که از فرزانگان و فصلای ناراضی تشکیل شده بود آن را می‌خوانده‌اند و اهالی انجمن و فداییان بعضی به حالت تناکی (گریه کردن) و بعضی از کثرت حر و عم از خود رفته و حالت بهت به آن‌ها دست داده تا چندی حالت یک کلمه سخن‌گفتی ناقی بود هم و عم عربی عارض هر یک گردیده به اوصاف عربیه مملکت و گرفتاری عجیبه این ملت سر به گریبان تعجب و حیرت و سرافکندگی و فکرت فرو برده...

احمد کسروی در تاریخ مشروطه ایران علاوه بر نقش کتاب در محافل روشنفکری به تاثیر توده‌ای آن در اسوه ایرانیان اشاره دارد و می‌نویسد
 ارجح آن را کسانی می‌دانند که آن رورها خوانده‌اند و تکانی را که در خواننده پدید می‌آورد به یاد می‌دارند. اسوه ایرانیان که در آن رورحو به این آلودگی‌ها و بدی‌ها گرفته بودند و حرار زندگانی بد خود به زندگانی دیگرگمان نمی‌بردند از خواندن این کتاب توگفتی از حواب بیدار می‌شدند و تکان سحت می‌خوردند بسیار کسان را توان پیدا کرد که از خواندن این کتاب بیدار شده و برای کوشیدن به بیکی کشور آماده گردیده و به کوشندگان دیگر پیوسته‌اند

کسروی در حای دیگر بر شخصیت دلاور و مبارز حاحی مراعه‌ای و همفکرانش تأکید می‌کند
 تنها به چاپ رسانیدن چنین کتابی در آن زمان انگیره نابودی چاپ‌کننده توانستی بود این به بیک است که به رشک بیکی‌های کسان را بپدیریم

عبدالله مستوفی در کتاب زندگی من یک‌جا سیاحتنامه را همراه با کتاب احمد اثر طالبوف و رساله‌های اقبال‌الدوله یکی از سه اثر ممتازی می‌شمارد که در تعبیر رژیم

استبداد به مشروطه مؤثر بوده اند وی می نویسد

حیر این آزادی (سرکار آمدن مظفرالدین شاه سلیم‌القدس) که به خارج سرحدات رسید ایرانیانی که از مدت‌ها پیش در خارجه رحل اقامت افکنده و قلم نویسدگی داشتند به شوق آمدند رورنامه *حیل‌المتین* کلکنه، رورنامه *ثریا* و پرورش و حکمت در مصر و کتاب *احمد* و سایر رسایل طالبوف سریری مقیم قفقار و بالاحره کتاب *ابراهیم‌بیگ* و از همه بالاتر *حطانه‌های اقبال‌الدوله هندی* که تمام در خارج ایران چاپ شده بود نتیجه این تعبیر سلطنت گردید دیگر مثل دوره ناصرالدین شاه نبود که کسی حرثت بیان اوضاع و ترتیبات اجتماعی و سیاسی ملل و دول اروپا را نداشته باشد هر کس هر چه می‌داست بی‌پروا صحت می‌کرد اهل مطالعه که سابقاً حرکت قدیمه چیری نمی‌خواندند ناخر شدند که *حیلی* مطالب خواندنی از قماش دیگر هست خواندن کتاب‌های طالبوف و *ابراهیم‌بیگ* و *حطانه‌های اقبال‌الدوله* و مقالات رورنامه‌های چاپ خارج روحی پیدا کرد

در حای دیگر از کتاب *زندگی من عبدالله مستوفی* با نقل قولی از علامه دهخدا تأکید می‌کند که نویسنده *سیاحتنامه*، حاحی رین‌العاندین مراعه‌ای است ریرا پس از استقرار مشروطیت، که دیگر خطر حس و مرگ برای نویسنده این کتاب بلندآواره از بین رفته بودند، عده‌ای مدعی شده بودند که نویسنده آن هستند

آقای علی‌اکبر دهخدا می‌گوید من در سفر مهاجرت پس از بماران مجلس در استاسول بودم، یک رور پیرمردی نه دیدن من آمد و خود را معرفی کرد و گفت من حاحی رین‌العاندین مراعه‌ای هستم، از حوانی مراعه را ترک گفته و به قفقار آمدم در آن‌حاروسی و فارسی را آموخته مشعول کسب شدم، پس از مدتی محل کسب خود را به کریمه و یالتا بردم امپراتور اکثر سال‌ها در رمستان مسافرتی نه کریمه می‌کرد، و در قصر مخصوص نه خود که *نادگان* من چندان فاصله‌ای داشت اقامت می‌نمود یک رور امپراتریس نه‌طور ناشاحت وارد معاره من شد، با این که نشاحتمش لازمه ادب را بحا آوردم در سفرهای بعد هر وقت حانواده امپراتور نه قصر خود نه کریمه می‌آمدند امپراتریس نه دکان من سری می‌زد، نه‌طوری که یکی از مشتری‌های دکان من شده بود، همین موضوع سب شهرت و بالاگرفتن کار من شد بعد از چندی نه استاسول آمدم، کتاب *ابراهیم‌بیگ* را نوشته